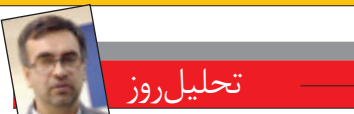


در پی پایان یافتن مصونیت دیپلماتیک همسر ابرت موگابه، دادستان آفریقای جنوبی حکم بازداشت، گریس موگابه را به اتهام ضرب و شتم یک مدل در سال ۲۰۱۷ صادر کرد. گابریلا انگلس، مدل، گریس موگابه را متهم کرد که در اتاق هتلی در ژوهانسبورگ با یک سیرابطاوار زده‌است. این ضرب و شتم مورد ادعا حدود سه ماه پیش از آن که ارتش زیمبابوئه قدرت را از ابرت موگابه بگیرد رخ داد. موگابه پس از ۳۷ سال که رئیس‌جمهور بود، از قدرت کنار گذاشته شد.



برنامه آینده ترامپ برای شام

د کتر ایبوذر گوهری مقدم – اعلام خروج نیروهای آمریکایی از سوریه با اظهارات ا قبلی بولتون مبنی بر حضور نیروهای آمریکایی تازمان حضور ایران در این کشور تعارض دارد. بر اساس هدف گذاری پنتاگون، اهداف کوتاه‌مدت آمریکا در سوریه شکست داعش بود که طبق گفته ترامپ محقق شده است اما پنتاگون معتقد است عوامل ایجاد کننده داعش همچنان در سوریه وجود دارند و این گروه توانسته ساختار بوروکراتیک لازم را ایجاد کند که باید با آن مقابله کرد.
شاید تفسیر عبارت "مرحله بعدی اقدام آمریکادر سوریه" معطوف به این مسئله باشد اما نکته مهم آن که پنتاگون معتقد است بحران سوریه، راه حل نظامی ندارد و مذاکرات سیاسی برای حل مسئله را هگشاشت؛ مذاکراتی که البته از دید آمریکا باید در مسیر ژئوپلیگیری شود. در این میان بازگشت آوارگان سوری نیز اولویتی است که از مجرای دیپلماتیک تعقیب می‌شود. هدف دیگر آمریکا کاهش تنش با ترکیه است. آمریکا افزایش تنش‌ها در سوریه به چه با تریک و چه حتی درگیری ایران با رژیم صهیونیستی را برای وضعیت نهایی در این کشور مفید نمی‌داند. مسلماً هدف دراز مدت آمریکا در سوریه خروج ایران و محور مقاومت از سوریه و ممانعت از دسترسی تهران –مدیرانه است و تلاش خواهد کرد از طرق مختلف مانع تحقق آن شود. به نظر می‌رسد آمریکا تلاش خواهد کرد از طریق نیروهای هم‌سوی خود در سوریه و با کمک دلارهای عربی، مناطق شرقی فرات و منابع سوریه را حفظ کند و از سوی دیگر در فاز دیپلماتیک بر ایران و روسیه فشار آورد. در همین زمینه پمپئو، تعداد دیپلمات‌های مرتبط با مسئله سوریه را دو برابر کرده‌است. همچنین تنش دایی با ترکیه با هدف استفاده از ظرفیت آن‌ها در مذاکرات با ایران و روسیه در دستور کار آمریکاست. مسلماً توسل به ابزار اهری دری آمریکایی تحریم نیز در برنامه ترامپ قرار دارد و احتمالاً بازودی فهرستی از شرکت‌های ایرانی و روسی دخیل در بازسازی سوریه مشمول تحریم خواهند شد.
رنه‌ایات آن که آمریکا صحنه میدانی و آینده سوریه را بیاخت و هم اکنون تلاش می‌کند خسارت وارد شده را کاهش دهد.

اندیشکده روز

آمریکابه‌سوی «جنگ‌شناختی»

اندیشکده مطالعات جهان اسلام نوشت: با اعلام خبر خروج آمریکا از میدان نبرد سوریه، کارشناسان به دنبال طرح جایگزین آمریکا در منطقه هستند. بعد از دو جنگ بزرگ عراق و افغانستان، پنتاگون به این جمع‌نشدن سبیده که افزایش نیروی انسانی بدون در نظر گرفتن تمامی شرایط، تحمیل هزینه هاست و باید این هزینه‌ها از نقطه‌ای جایگزین شود. همان انتقادی که ترامپ از آن به‌عنوان «هزینه کردن هفت تریلیون دلاری» نام می‌برد. در واقع آمریکایی‌ها باید تا چند سال دیگر توجه ویژه‌ای به شرق آسیا داشته باشند و برای امپراتوری جدید چینی تصمیم‌گیری کنند. از طرفی نمی‌توانند بزرگ‌ترین مرکز انرژی دنیا را رها کنند و ترسیمی برای آینده آن نداشته باشند. به‌ویژه این که ایران توانسته با طراحی «محور مقاومت»، جریان ویژه‌ای را در برابر آمریکا در منطقه ایجاد کند. تحلیل‌ها موجب شد تا کارشناسان به این جمع‌بندی برسند که راهبرد نظامی آمریکا در غرب آسیا، از حضور نظامی مستقیم به جنگ‌شناختی تغییر کند. در جنگ شناختی، مشروعیت زدایی از حاکمیت، تضعیف منطقه‌ای و ایجاد شکاف‌های اطلاعاتی دیده می‌شود به نظر می‌رسد، رشد دادن و هم‌راه‌سازی کردها در نوار شرقی سوریه، به این دلیل بود. از طرفی تحلیل‌گران مسائل آمریکا معتقدند، واشنگتن می‌تواند با ایجاد فشارهای خارجی و تشکیل جبهه جدید سیاسی و طراحی سازوکاری محدود ساز، محور مقاومت را تحت تنگنای ژئوپلیتیک قرار دهد. در یکی از این سازوکارها، دورسازی تهران از بغداد، دمشق، فلسطین، بیروت و صنعا اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند. «این ساز و کار، برنامه ریزی شده و هماهنگ و فراتر از بازیگران منطقه‌ای ترسیم شده‌است.»
بودجه نبرد جدید را بیاض تأمین کرده که با همکاری سرویس اطلاعاتی رژیم صهیونیستی و با استفاده از ظرفیت رسانه‌ای ایجاد شده دنبال می‌شود. آمریکا با خروج نیروی نظامی از سوریه، کلید جنگ شناختی را در منطقه زده و بر همین اساس باید شاهد اتفاقات ویژه در چند ماه آینده باشیم.



یک روز پس از دستور خروج از سوریه، ترامپ دستور کاهش نیروهای آمریکایی در افغانستان را هم صادر کرد

پشت پرده دستورهای خروج ترامپ

نمی‌شرفی –متحدان اروپایی آمریکا غافلگیر شده‌اند؛ دونالد ترامپ، ابتدا از خروج همه نظامیان آمریکایی مستقر در سوریه که تعدادشان به دو هزار تن می‌رسد خبر داد و سپس دستور خروج نیمی از ۱۴ هزار مستشار نظامی آمریکایی در افغانستان را صادر کرد. اقدامی که باعث شد برخی این تصمیم ترامپ را به دلیل «اختلال شخصیتی» وی و یک‌جانبه‌گری در تصمیم‌گیری تلقی کنند و برخی آن را دستوری هوشمندانه برای پیروزی وی در انتخابات ۲۰۲۰ بدانند. البته دستورهای ترامپ واکنش سناتورهای آمریکایی و متحدان خارجی این کشور را در پی داشته‌است. لیندزی گر اهام، سناتور جمهوری خواه، طرح رئیس‌جمهوری آمریکا برای خروج نیروها از سوریه را اشتباه خواند و گفت: این یک پیروزی برای ایران و بشار است. اما ترامپ در توثیتی به این سخنان واکنش نشان داد و نوشت: «دشوار می‌توان باور کرد که گراهام با نجات جان سربازان و صرفه‌جویی میلیارد دلار مخالف باشد. چرا ما باید برای دشمنان و برای سوریه بجنگیم و آن‌جا بنامیم و نیروهای داعش را برای ایران، روسیه و دیگر محلی‌ها بکشیم؟ زمان آن رسیده که بر کشور خودمان متمرکز شویم و جوانانمان را به کشور برگردانیم!» آمریکا در حالی سوریه را ترک می‌کند که جان بولتون، مشاور امنیت ملی ترامپ چند هفته پیش گفته بود که آمریکا تا زمانی که ایران در سوریه باشد در این کشور می‌ماند. همچنین مقام‌های امنیتی آمریکا همچون جیمز متیس از ضرورت حضور نظامی در سوریه سخن می‌گفتند. چرا که طبق برآوردهادهای اطلاعاتی آمریکا در ماه اگوست، هنوز هم داعش دست کم ۱۴ هزار و ۵۰۰ نیروی فعال در خاک سوریه و عراق دارد. هر چند خیلی‌ها همچون فرانسوی‌ها و بریتانیایی‌ها که در کنار آمریکا در سوریه حضور داشتند، یا کردها که از سوی واشنگتن حمایت می‌شدند، از شنیدن یک‌باره این خبر شوکه شده‌اند، اما باید گفت که این موضع اصلی ترامپ در سال‌های گذشته بوده‌است. چه در دوران کارزارهای انتخاباتی و چه در حدود دو سال ریاست در کاخ سفید. او فروردین امسال در یک سخنرانی از خروج نیروهای آمریکا از سوریه سخن گفته بود با این استدلال که «هفت هزار میلیارد دلار در خاورمیانه خرج کردیم اما هیچ نتیجه‌ای نگرفتیم… وضعیت امروز آمریکا خالی شد. ابتدا ر کس تیلرسون وزیر خارجه از

هد به کریمسی ترامپ!

تنها سه روز تا کریسمس باقی است. واشنگتن پست می‌نویسد که تصمیم ناگهانی رئیس‌جمهور آمریکا برای خارج کردن نیروهای این کشور از سوریه یک پیروزی نادر برای ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه است. هرج و مرج ناشی از سبک حکومت داری ترامپ به نفع پوتین است. «اندرو وایس» کارشناس مسائل روسیه در «کارنگی اندومننت» می‌گوید که کرملین در باره ترامپ دو ذهنیت دارد: از پیش

وزیر دفاع آمریکا پس از اعلام خروج نیروهای این کشور از سوریه استعفا کرد

پایان کار «آخرین مرد عاقل»

مقام خود برکنار شد و مایک پمپئو به جای او نشست، پس از آن، ژنرال مک‌مستر مشاور امنیت ملی جای خود را به جان بولتون داد و به تازگی ژنرال جان کلی نیز از ریاست دفتر ترامپ کنار رفت و مایک مولوینی جای او را گرفت. دیروز هم متیس از کابینه جدا شد و طبق برخی گزارش‌ها قرار است تام کاتن سناتور جمهوری خواه جانشین او شود. در واقع چهار نفری که استعفا کرده‌ یا برکنار شده‌اند، از نگاه برخی محافل سیاسی و رسانه‌ای، عقلای کابینه ترامپ و نیروی کنترل‌کننده او در دولت تلقی می‌شوند. تاجایی که بلوهریگ با اشاره به استغفاهای بی‌پایان در دولت ترامپ از جیمز متیس ملقب به سگ دیوانه به عنوان آخرین مرد عاقل دولت آمریکا نام برد. البته اختلافات میان رئیس‌جمهور آمریکا و وزیر دفاع این کشور به روزهای نخستین تشکیل دولت کنونی برمی‌گردد. گفته می‌شود وزارت دفاع آمریکا با ماجرایی صدور فرمان ممنوعیت سفر اتباع برخی از کشورهای عمده مسلمان به آمریکا، توقفر زمایش‌های مشترک آمریکا و کره جنوبی

ببینی ناپذیر بودن ترامپ و فقدان هماهنگی کاخ سفید نفرت دارد اما عاشق هرج و مرج ناشی از اقدامات ترامپ است. هر اقدامی که به ائتلاف‌های آمریکا لطمه بزند و تصویر آمریکا را به عنوان یک متحد قابل اعتماد مخدوش سازد، یک پیروزی خالص برای مسکوا است. افزون بر این، بسیاری از مهم‌ترین متحدان آمریکا از اروپا گرفته تا آسیا از حضور جیمز متیس در مقام وزیر دفاع آمریکا دلگرم شده بودند چرا که او تقویت اتحادها را به یکی از کارهای اصلی خود تبدیل کرده بود اما تصمیم ناگهانی ترامپ برای خروج از سوریه، موجب شد که وزیر دفاع زمان زیادی یا حتی منطق مشخصی برای تصمیم‌دادن به متحدان نداشته باشد. کناره‌گیری او احتمالاً نگرانی‌ها در خصوص تعهد دولت ترامپ به امنیت و منافع متحدان را افزایش خواهد داد. به گزارش واشنگتن پست، تحلیل‌گران بر این باورند که این اقدام آمریکا اهمیتی چندجانبه برای پوتین دارد. تقویت اسد پیامی به غرب بود مبنی بر این که نمی‌توان با نیروی خارجی رهبران کشورها را برکنار کرد البته بسیاری از کارشناسان تحلیل‌های مختلفی از دستورهای خروج ترامپ ارائه داده‌اند. عبدا… شهبازی، مورخ و کارشناس سیاسی می‌نویسد: گمان می‌کنم عامل اصلی این چرخش پرهیاهوی ترامپ در آستانه تعطیلات کریسمس و شروع کار کنگره جدید (۳۱ ژانویه ۲۰۱۹) هوشمندی او در شناخت بحران قریب‌الوقوعی است که در دو بُعد «بحران مالی» و «بحران کنگره» در انتظارش است. پیشتر [محکومیت بن‌سلمان به عنوان مسئول قتل خاشقچی در سنای آمریکا] نشان داد که با آغاز کار صد شانزدهمین دوره کنگره که کنترل مجلس نمایندگان آن دست حزب دموکرات است، وضع ترامپ به شدت وخیم خواهد شد. به یاد داشته باشیم که پرونده تحقیقات رابرت مولر در باره نقش روسیه در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ و در راه است. باید نگرانی‌های ناشی از ضعف میهمان‌بازار بورس آمریکا را نیز به آن افزود… اگر چنین شود، «دوره طلایی» که از نیمه دوم سال ۲۰۰۹، سال نخست دولت اوباما، آغاز شد و در دو سال اولیه دولت ترامپ ادامه یافت، به پایان می‌رسد. چنین وضعی بر سیاست خارجی حفاظت از تأثیرات جدی خواهد داشت. ترامپ برای افزایش اسلحه به برابرتهاجم کنگره و پرونده قضایی رابرت مولر و مواجهه با بحران احتمالی

فراخبر

پیامدهای خروج آمریکا از سوریه

ابوالفتح–اصرار رئیس‌جمهوری آمریکا بر خروج از سوریه، تأثیرات شگرفی بر تحولات داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی به‌جا خواهد گذاشت: ۱–ملی‌گرایان اقتصادی به‌رهبری دونالد ترامپ که بر حفظ امپراتوری با اجرای چابک‌سازی در عرصه‌سیاسی–امنیتی تأکید دارند، علاوه بر کاخ سفید، اداره‌امور نظامی را در دست گرفته‌اند. ۲–ایالات متحده از این پس بدون دریافت هزینه‌های مالی از کشورهای ذی‌نفع، وارد جنگ‌های فرامری نخواهد شد. ۳–خاورمیانه از این پس مکانی نخواهد بود که آمریکایی‌ها، خون‌خود را برای حفظ امنیت وثبات آن، از آن به‌زمین‌بریزند. ۴–ملی‌گرایان اقتصادی آمریکا بعد از فروش اسلحه، به‌سود حاصل از فروش امنیت به کشورهای منطقه خاورمیانه چشم خواهند دوخت؛ منطقه‌ای که به‌خلاف قدرت ناشی از خروج ایالات متحده، ناامن تر خواهد شد. ۵–با کم‌رنگ شدن راهبرد جنگ‌های گرم در مناطقی همچون سوریه، راهبردهای جنگ سرد باروسیه، چین و اروپا شدت خواهد گرفت. با این حال، تجربه دو سال ریاست جمهوری دونالد ترامپ نشان داده‌است که لزوماً تصمیمیات اعلام‌شده از سوی ریاست جمهوری، به‌هم‌نژله موافقت‌بدنه بروکراتیک دولت نخواهد بود و چه بسا در نهایت، مداخلات "دولت‌پنهان" به‌ناکارآمد شدن تصمیمات دونالد ترامپ بینجامد.



ملل مشخص نیست. سناتور چاک شومر می‌گوید: وزیر متیس یکی از معهود نمادهای قدرت و ثبات در این دولت بود. هر آن چه نشانه ثبات و قدرت و دانش است، در حال ترک این دولت است. اکنون سیاست خارجی و امنیتی آمریکا دوران پر آشوب و مبهمی را پشت سر می‌گذارد. جریان ملی‌گرای اقتصادی به نمایندگی دونالد ترامپ در تلاش است بار سنگین امپراتوری جهانی آمریکا را بکاهد تا امکان بازسازی درونی این کشور فراهم شود، در حالی که "تشکیلات سیاسی" شامل کهنه سیاستمداران، اعضای جامعه اطلاعاتی، نظامیان و برخی رسانه‌های جریان اصلی در آمریکا چنین رویکردی را آغازی بر فروپاشی امپراتوری قلمداد می‌کنند و با آن مخالف هستند. رویارویی این دو جریان، می‌تواند تحولاتی به مراتب بزرگ‌تر از استعفا‌ی وزیر دفاع را به همراه آورد.

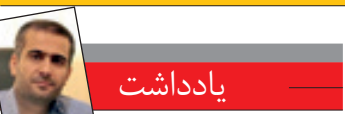
بین‌الملل

صدور حکم بازداشت همسر موگابه

به‌اتهام ضرب و شتم



۳



آمریکا از سوریه دست نمی‌کشد!

صابر گل‌عنبری – در سایه اوضاع به شدت ناپایدار و روند پر سرعت حوادث و دگرگونی‌آنی متغیرات، سخت‌ترین کار تحلیل پدیده‌ها و رفتار بازیگران است. خود همین وضعیت، بازیگران قدر را دچار نوعی دستپاچگی و سردرگمی و مجبور به تغییر تاکتیک‌ها و حتی راهبردها می‌کند؛ چه رسد به تحلیل‌گران و ناظران. این‌جا کار تحلیل ریسک پر خطری است و با تکرار اشتباهات تاریخی، می‌رود که اعتبار کارشناس و نویسنده به مرور خدشه‌جدی ببیند. در این شرایط اتهام‌الود تلاش فعالان سیاسی برای پیش‌بینی رفتار قدرت‌های ریز و درشت پرخطر تر است. با این مقدمه به سراغ تصمیم‌ترامپ برای خروج نیروهای آمریکایی از سوریه می‌رویم. قبل از هر چیز ذکر این نکته ضروری است که غافلگیری، پایه رفتار ترامپ است که در کتاب Crippled AmericaHow to Make America Great Againآرابه‌خوبی تشریح می‌کند می‌گوید چطور در آنجسام طرح‌های اقتصادی تا زمان شروع به کار کسب را از خبر نمی‌کرد و همه را متعجب می‌ساخت. عده‌ای در تفسیر تصمیم جدید آمریکا می‌گویند که این موضوع گویای آن است که این کشور راهبرد مشخصی در سوریه و منطقه ندارد و دچار سردرگمی است. شخصاً این تفسیر را عجز شناختی می‌پندام و منطقی نمی‌دانم. سیاست کنونی ترامپ به نوعی ادامه همان راهبرد دوره اوباما است؛ یعنی دخالت غیر مستقیم و پرهیز از ورود مستقیم. این راهبرد در دور ترامپ به شکل جدی‌تری هم‌پیگیری شد. یکی از ارکان این راهبرد این است که هم‌پیمانان آمریکا روی پای خود بایستند و از خویش دفاع و مستقیماً مداخله کنند و دیگر این انتظار را از آمریکا نداشته باشند. برونداد آن در دوره اوباما خود را در ورود عربستان به جنگ یمن نشان داد و در دور ترامپ نیز در قالب طرح‌هایی چون ناتوی عربی و ائتلافات منطقه‌ای میان اسرائیل و برخی بازیگران خود را نشان می‌دهد. این راهبرد واشنگتن فعلاً در چارچوب مدیریت اوضاع به شیوه مطلوب است و احتمال گذر به راهبرد دخالت مستقیم در آینده وجود دارد و نباید به آن به‌عنوان عقب‌گرد و قهقرای سیاست و نفوذ خاورمیانه‌ای آمریکانگاه کرد. از این رو، عقب‌نشینی احتمالی آمریکا از شمال و شرق سوریه به معنای دست کشیدن از این مناطق نیست و معقول به نظر نمی‌رسد واشنگتن کاشته‌های چند ساله خود در آن را به باد دهد و دودستی سوریه را به روسیه و ایران تقدیم و راندازی راهگذرد مدنظر تهران را تسهیل کند. به‌نظر، اگر تصمیم به عقب‌نشینی نگو‌واقعبت هم به خود گیرد، باز اهداف کلان آمریکا در سوریه دنبال خواهد شد. براین اساس احتمالاً تفاهمی چند سویه میان آنکارا و واشنگتن از یک طرف و مسکو و واشنگتن از سوی دیگر در باره آینده شرق فرات و شمال سوریه وجود داشته باشد که اولاً ترکیه در حمله احتمالی خود از محدوده خاصی جلوتر نرود و ثانیاً ارتش سوریه به نیروهای هم‌پیمان آن هم از خطوط خاصی عبور نکنند. تصور نمی‌شود روسیه نیز با توجه به ارتباطات تاریخی خود با «پ.ک.ک» بخواهد وارد جنگ با «قسد»، «ی.پ.گ» و «پ.ی.د» شود و احتمالاً راه توافق میان کردها و نظام سوریه را تسهیل کند. البته این وسط احتمال وقوع درگیری در نقاط مشخصی به ویژه مناطق نفت‌خیز در آینده نزدیک بالاست. با این حال در صورت ورود ارتش سوریه به جنگی برای سبطه مجدد بر کل شمال و شرق تحت کنترل قسد دور از ذهن نیست که آمریکا با انجام عملاتی مقابله کند. جالب این که حملات به داعش در چند سال گذشته و چند مورد حمله به ارتش سوریه و نیروهای هم‌پیمان نیز غالباً به وسیله نظامیان مستقر در خاک سوریه انجام نشده‌است. این نیروها بیشتر نقش مستشاری در هدایت زمینی جنگ با داعش در شرق فرات و ایجاد زیرساخت‌های نظامی مطلوب در این منطقه را داشتند. اما درباره بحث مقابله با حضور ایران در سوریه نیز، به‌نظر این ماموریت به‌طور اساسی به اسرائیل واگذار شده و این رژیم در سایه همکاری و هماهنگی با روس‌ها آن را پیگیری می‌کند. با وجود این حملاتی که جانب آمریکا دور از ذهن نیست. ذکر این نکته ضروری است که چراغ سبز و همکاری آمریکا برای حمله محدود ترکیه به شرق فرات در کنار تحویل احتمالی گولن و فروش پاتریوت با هدف دور کردن آنکارا از تهران و مسکو است. به‌هر حال منطقه آستان حوادث بزرگی در آینده است و تصمیمات غیر مترقبه می‌تواند مقدمه‌ساز آن‌ها باشد."/>